

## مقدمه

سپاس خدای را که حق ستایشش بالاتر از حد ستایشگران است و نعمتهایش فوق اندیشه شمارشگران. هموست که با فرستادن پیامبرانش انسانهای غرق در ظلمت را به سوی نورانیت رهنمون ساخت. «الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم/۱) و درود بی‌پایان بر آورنده «کتاب»، محمد مصطفی (ص) که در طول ۲۳ سال بنیان شرعیتی جاودانه را نهاد و به امر پروردگار به تعلیم و تزکیه غرق‌شدگان در جهالت پرداخت. «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره/۱۲۹).

کتاب (قرآن) مهم‌ترین، بلکه اصلی‌ترین منبع اثبات و استنباط احکام الهی است و از آن جهت که «سنت»<sup>۱</sup> مبین و مفسر کتاب الهی است و نه منبعی در عرض آن، تنها مصدر شریعت به شمار می‌رود و حتی روایات نیز با میزان قرآن سنجیده می‌شود. یعنی آن دسته از روایات که منطبق بر کتاب الهی باشد، پذیرفته و هر آنچه مخالف آن باشد، مورد عمل قرار نمی‌گیرد.<sup>۲</sup> به نظر اینجانب ادله دیگر که در استنباط احکام به کار گرفته می‌شود، مانند سنت خود از قرآن گرفته شده است. قرآن می‌فرماید: «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم / ۲ و ۳ و ۴). زراره از امام صادق (ع) می‌پرسد: «مِنَ أَيْنَ عَلِمْتَ أَنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ؟» امام می‌فرماید: «لِمَكَانِ الْبَاءِ» که در «وامسحوا برؤوسکم» آمده است (تفسیر البیان، ص ۲۸۳). به طوری که ملاحظه می‌شود حتی «سنت» که

---

۱. قول، فعل و تقریر پیامبر (ص) و از نظر امامیه مطلق معصوم (پیامبر و سایر ائمه) را سنت گویند که از نظر فریقین دومین منبع استنباط احکام است.

۲. عن هشام بن الحكم و غيره عن أبي عبد الله (ع) قال: خطب النبي (ص) بمنى فقال: أيها الناس ما جاءكم عنى يوافق كتاب الله فأنا قلته و ما جاءكم يخالف كتاب الله فلم أقله: أي مردم، آنچه از من به شما می‌رسد، اگر موافق قرآن است من گفته‌ام و آنچه به شما می‌رسد و مخالف قرآن است، من نگفته‌ام (کافی، ۶۹/۱، ح ۱).

تفسیر کننده «کتاب» است خود از سرچشمه فیاض قرآن جریان می‌یابد و به عنوان مهم‌ترین مستند در دست فقهایان قرار می‌گیرد.

از این رو فقها در بحث اجتهاد و قضاء شناخت آیات الاحکام<sup>۱</sup> را از شرایط اجتهاد دانسته (← فرهنگ فقه، ۱/۱۵۵) و در این زمینه کتابهایی به رشته تحریر درآورده‌اند. آیات الاحکام از دو واژه «آیات» و «احکام» ترکیب یافته است. مناسب می‌دانم در این مقدمه درباره هر یک توضیحاتی به اختصار بیان کنم.

### آیات

قرآن دارای ۱۱۴ سوره است که تعدادی از آنها مکی و دسته‌ای مدنی و برخی مورد اختلاف است و از حدود ۶۰۰۰ آیه<sup>۲</sup> که بنا بر قول مشهور هم سوره‌ها و هم آیات توقیفی هستند و توسط خود پیامبر ترتیب و محل آنها تعیین شده است، حدود ۳۵۰ (بنابر قولی) و ۵۰۰ (بنابر قول دیگر) آیه مربوط به احکام است که عمدتاً در کتابهای آیات الاحکام به تفسیر آنها پرداخته شده است و حتی برخی از نویسندگان کتاب خود را بر این اساس نام‌گذاری کرده‌اند.<sup>۳</sup>

آیات الاحکام از جهات گوناگون قابل تقسیم است (← فرهنگ فقه، ۱/۱۵۴) و بعد از آن؛ تاریخ فقه و فقها، ص ۱۸).

۱. از جهت دلالت بر حکم: دلالت بعضی آیات بر حکم شرعی به نحو استقلال است، مانند «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره/۲۷۵) و برخی به نحو انضمام، مانند «وَفِصَالُهُ»

۱. آن دسته از آیات قرآن که متضمن بیان احکام و تکالیف شرعی است آیات الاحکام و تفسیر و تبیین مفاد این آیات را تفسیر آیات الاحکام گویند. قرآن کریم دارای انواع مختلفی از تفسیر است که نوعی از آن به نام تفسیر موضوعی معروف شده است. تفسیر آیات الاحکام نیز در ذیل آن نوع تفسیر قرار می‌گیرد که صرفاً به موضوعات فقهی می‌پردازد و به عبارتی به مقرراتی مربوط است که شارع مقدس اسلام در مورد افعال مکلفان و آنچه بدان مربوط است وضع فرموده است.

۲. در تعداد آیات قرآن نیز اختلاف است: بعضی ۶۰۰۰، برخی ۶۲۰۴، گروهی ۶۲۱۴، دسته‌ای ۶۲۱۹، برخی ۶۲۲۵ و بالاخره بعضی ۶۳۲۳ گفته‌اند (← الاتقان، ۱/۶۷). این اختلاف نه بدان جهت است که چیزی بر قرآن افزوده و یا از آن کم کرده‌اند، بلکه بدان جهت است که در پاره‌ای از محل وقفها اختلاف وجود دارد (تاریخ فقه و فقها، گرجی، ص ۱۷).

۳. النهایة فی تفسیر خمس مائة آیه، نوشته ابن متوج بحرانی (← کنز العرفان، ۱/۱۳۰).

فِي عَامَيْنِ» (لقمان/۱۴) که مدت زمان شیرخوارگی را دو سال می‌داند و به ضمیمه آیه «وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف/۱۵) کمترین زمان حمل، شش ماه به دست می‌آید.<sup>۱</sup>

۲. از جهت شیوه بیان: بعضی آیات به صیغه انشاء و امر بر حکم دلالت دارد، مانند «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (بقره/۴۳) و بعضی به هیئت اخبار مانند «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ» (مائده/۳) و گاهی با آوردن ماده «امر»، مانند «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (نحل/۹۰) و زمانی به صورت خبر به مکتوب بودن فعل، مانند «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ» (بقره/۱۷۸) و یا بر عهده همه یا دسته‌ای از مردم بودن، مانند «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» (آل عمران/۹۷) و «عَلَى الْمُؤَلَّدِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۳۳) و یا اخبار به وقوع فعل، مانند «وَالْمُطَلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» (بقره/۲۲۸) و یا به صورت امر غایب، مانند «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نَدْوَرَهُمْ وَ لِيُطَوِّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج/۲۹) و یا به تعبیر فرض، مانند «قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَرْوَاجِهِمْ» (احزاب/۵۰) و یا به طریق جمله شرطیه، مانند «فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» (بقره/۱۹۶) و یا خبر از خیر بودن، مانند «وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ» (بقره/۲۲۰) و یا ذکر فعل مقرون به وعده، مانند «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ» (بقره/۲۴۵) و یا وصف فعل به بر بودن، مانند «وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره/۱۷۷) و یا وصف فعل به رسیدن به بر، مانند «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران/۹۲) و گاهی با ماده «نهی»، مانند «وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ» (نحل/۹۰) و یا ماده «حرم»، مانند «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (اعراف/۳۳) و یا با عدم حل، مانند «لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا» (نساء/۱۹) و یا با صیغه نهی، مانند «وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (انعام/۱۵۲) و یا با نفی بر، مانند «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ» (بقره/۱۷۷) و یا با نفی فعل، مانند «فَمَنْ قَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رِقْتٍ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (بقره/۱۹۷) و یا با ذکر فعل مقرون به استحقاق، مانند «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ» (بقره/۱۸۱) و یا با مقرونیت فعل با وعید، مانند «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۷۹) و یا با وصف فعل به شر، مانند «وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ» (آل عمران/۱۸۰).

۱. اگر از ۳۰ ماه ۲۴ ماه را کسر کنیم اقل زمان حمل ۶ ماه می‌شود.

۳. از جهت حکم مورد دلالت: مدلول برخی آیات، حکم تکلیفی است، مانند وجوب روزه و حرمت خوردن مردار که به ترتیب از آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره/۱۸۳) و آیه «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ» (مائده/۳) استفاده می‌شود و مدلول برخی دیگر حکم وضعی است، مانند بطلان روزه در حال مرض یا سفر که از آیه «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» (بقره/۱۸۵) استفاده شده است و نیز بعضی آیات متضمن احکام و قواعد کلی است، مانند قاعده عسر و حرج که از آیه‌های «وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمُ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج/۷۸) و «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/۱۸۵) به دست می‌آید و دسته‌ای از آیات دربردارنده احکام ارشادی است، مانند «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ» (آل عمران/۱۳۲) و گروهی امضای امر عرفی یا عقلایی است، مانند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/۱).

## احکام

به طور کلی احکامی که قرآن بر آنها مشتمل است عبارت‌اند از:

دسته اول: احکامی که درباره روابط بین خلق و خالق نازل شده است و آن بر دو قسم است: ۱) آن که به انشاء نیازمند است، مانند نذر، عهد و قسم؛ ۲) آن که به انشاء نیاز ندارد و این نیز بر چند قسم است:

- عبادات محض، مانند نماز و روزه

- عبادات مالی که جنبه اجتماعی دارد، مانند خمس و زکات

- عبادات بدنی که جنبه سیاسی و اجتماعی دارد، مانند حج

- عبادات تربیتی که جنبه اجتماعی دارد، مانند امر به معروف و نهی از منکر

- عبادات بدنی که جنبه ایثار و حفظ و دفاع از اسلام دارد، مانند جهاد و دفاع

دسته دوم: احکامی که وظایف مربوط به تأسیس و تنظیم خانواده (احوال شخصیه)

را بیان می‌کند، مانند نکاح، طلاق، ارث و وصیت.

دسته سوم: معاملات، که روابطی است میان افراد بشر و به انشاء نیاز دارد و آن بر دو

قسم است: ۱) عقود که به دو انشاء نیاز دارد، مانند بیع و اجاره؛ ۲) ایقاعات که به یک انشاء

نیاز دارد، مانند وقف.

دسته چهارم: احکام خوردنیها و آشامیدنیها و مقدمات آنها، مانند اطعمه و اشربه و

صید و ذباجه.

دسته پنجم: قضاء و شهادات.

دسته ششم: حکومت و ولایت امر.

دسته هفتم: تنبیهات و عقوبات مالی و بدنی، مانند حدود، قصاص و دیات. البته در مورد تقسیم‌بندی احکام مندرج در فقه روشهای دیگری نیز قدما ارائه کرده‌اند و در مواردی نویسندگان کتابهای آیات الاحکام از آن روشها پیروی کرده‌اند. برای مثال محقق حلی با الهام گرفتن از روش سلار، ابواب فقهی را در کتاب شرایع ذیل عبادات، عقود، ایقاعات و احکام گرد آورده که مورد استقبال فقهای پس از وی قرار گرفته است. علامه حلی در الارشاد و شهید اول در القواعد و الفوائد در توجیه این تقسیم‌بندی نوشته‌اند: مباحث فقهی یا درباره امور اخروی است یا امور دنیوی؛ دسته نخست، عبادات است، مانند صلاة و صوم. دسته دوم یا به لفظ و عبارت نیازمند است یا نیست؛ مباحثی که به عبارت نیاز ندارد، احکام است، مانند دیات و قصاص. مباحثی که نیازمند عبارت است یا با دو طرف منعقد می‌شود یا با یک طرف؛ دسته اول عقود است، مانند بیع، اجاره و نکاح و دسته دوم ایقاعات است، مانند طلاق و عتق (← فرهنگ فقه، ۴۶/۱). فیض کاشانی در کتاب مفاتیح الشرایع مباحث و ابواب فقهی را به دو بخش «فن عبادات و سیاسات» و «فن عبادات و معاملات» تقسیم کرده است و از معاصران شهید سیدمحمدباقر صدر در کتاب الفتاوی الواضحة ابواب فقهی را در چهار بخش عبادات، اموال، سلوک و رفتار شخصی و آداب عمومی آورده است. وی اموال را به اموال خصوصی و اموال عمومی و سلوک و رفتار شخصی را به روابط خانوادگی و روابط اجتماعی تقسیم کرده است (مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۲۰-۲۵ به نقل از: فرهنگ فقه، ۴۶/۱).

احکام تقسیمات دیگری نیز دارد. از قبیل احکام اولی و ثانوی، احکام واقعی و ظاهری، احکام مولوی و ارشادی که در این مختصر امکان شرح و بسط آنها نیست. لازم است یادآوری شود که اینجانب در کتاب آیات الاحکام مدنی و جزایی خود به تقسیم‌بندی دیگری دست زده و آیات مربوط به احکام را بر اساس حقوق مدنی، عمومی و جزایی تقسیم کرده‌ام<sup>۱</sup> و در این کتاب آیات را در دو بخش عبادات و عقود و تعهدات آورده‌ام.

۱. ← آیات الاحکام، سمت.

در بخش عبادات<sup>۱</sup> به تفسیر آیات مربوط به زکات، خمس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و در بخش عقود و تعهدات به تفسیر آیات مربوط به مکاسب، بیع، دین، ضمان، صلح، وکالت، اجاره، شرکت، مضاربه، ایداع، عاریه، سبق و رمایه، شفعه، لقطه، غصب، اقرار، وصیت، حجر، وقف، سکنی، صدقه و هبه پرداخته‌ام. البته از نظر اینجانب در برخی مطالب آیه‌ای اختصاصی بر آن دلالت ندارد لکن برای اثبات آنها به آیات عام استناد شده است.

### کتابهای آیات الاحکام

نگارش کتابهایی در زمینه آیات الاحکام سابقه‌ای بس طولانی دارد و بنا بر نظر برخی از مؤلفان به قرن دوم (سال ۱۴۰ هجری) باز می‌گردد.

مرحوم علامه آقابزرگ طهرانی به استناد ابن ندیم در کتاب ارزشمند خود اولین کتاب نگارش یافته را به محمد بن سائب کلبی (م ۱۴۶ ه.ق) از اهل کوفه و از اصحاب امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - منسوب می‌داند. اما در *کشف الظنون* (به پیروی از سیوطی در کتاب *الاولی*) نخستین کتاب مدوّن احکام القرآن، تألیف امام شافعی (م ۲۰۴ ه.ق) ذکر می‌شود و علاوه بر آن از ۱۲ کتاب دیگر نام می‌برد که از آن جمله است:

۱. احکام القرآن، جصاص (م ۳۷۰ ه.)،

۲. احکام القرآن، عمادالدین محمد طبری (م ۵۰۴ ه.)،

۳. احکام القرآن، ابن عربی (م ۵۴۳ ه.)،

۴. الجامع لاحکام القرآن، قرطبی (۶۷۱ ه.).

علامه طهرانی در کتاب *الذریعة* از سی کتاب شیعی در زمینه آیات الاحکام نام می‌برد که هیچ یک در *کشف الظنون* ذکر نشده است، مانند:

۱. فقه القرآن، راوندی (م ۵۷۳ ه.)،

۲. کنز العرفان، فاضل مقداد (م ۸۲۶ ه.)،

۳. تفسیر شاهی، جرجانی (م ۹۷۶ ه.)،

---

۱. عبادات اعمالی است که تحقق آنها بدون قصد تقرب امکان‌پذیر نیست، ولی در معاملات قصد قربت لازم نیست و لکن قصد و اراده در تحقق آنها ضرورت دارد.

۴. زبده البيان، اردبیلی (م ۹۹۳ هـ)،
۵. آیات الاحکام، استرآبادی (۱۰۲۸ هـ)،
۶. مسالك الافهام، فاضل جواد (متوفی اواسط قرن ۱۱)،
۷. قلائد الدرر فی بیان الاحکام بالاثر، جزایری (م ۱۱۵۰ یا ۱۱۵۱ هـ).

و از معاصران:

۱. تفسیر آیات الاحکام، نجفی یزدی (نواده صاحب عروة)،
۲. اقصی البيان، سلطانی گرمرودی قمی،
۳. احکام القرآن، خزائلی،
۴. احکام القرآن، برقی،
۵. آیات الاحکام، شانه‌چی،
۶. آیات الاحکام، گرجی.

در کتابهای مذکور روشهای مختلفی از سوی نویسندگان آنها اتخاذ شده است: بعضی از نویسندگان ترتیب آیات را در نظر گرفته‌اند و از سوره بقره آغاز کرده و تا آخرین سوره‌ای که در آن از احکام سخن به میان آمده است، ادامه داده‌اند که برادران اهل سنت و جماعت اکثراً از این روش پیروی کرده‌اند. بعضی دیگر ترتیب احکام را ملاک قرار داده‌اند و از کتاب طهارت تا دیات را پیش گرفته‌اند. نویسندگان شیعه امامیه نوعاً این روش را پیش گرفته‌اند و بعضی دیگر نیز به ترتیب نزول احکام کتاب خود را مرتب کرده‌اند. روش ما: اما روش ما در تألیف این اثر بر اساس تقسیم احکام به عبادات و عقود و تعهدات است که برگرفته از سرفصل دروس آیات الاحکام تطبیقی دانشکده فقه دانشگاه مذاهب اسلامی است.

در پایان این مقدمه بر خود فرض می‌شمارم از کسانی که در تألیف این کتاب بنده را یاری داده‌اند سپاسگزاری کنم:

۱. از آقایان دکتر احمد احمدی و دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، مسئولین محترم «سمت» و «دانشگاه مذاهب» که از انتشار این اثر پشتیبانی نمودند.
۲. از آقای دکتر سید طه مرقاتی که زمینه نشر این اثر را در دانشگاه مذاهب و سازمان «سمت» فراهم ساخت و در نگارش مقدمه این کتاب به بنده کمک کرد.

۳. از سرکار خانم عذرا قبله‌ای که ویرایش این اثر را بر عهده داشت. در پایان از همه اساتید و دانشجویان و خوانندگان این اثر تقاضا دارم در صورتی که در حین مطالعه با خطا و سهوی از اینجانب برخورد کردند از طریق ناشران متذکر شوند تا در صورت وارد بودن تذکر در چاپهای بعدی رفع گردد.

و من الله المستعان و علیه التکلان

خلیل قبله‌ای خوبی

تابستان ۱۳۹۰